

«وطن امروز» گزارش می‌دهد  
نقش ماندگار دولت سیزدهم در سپهر اقتصاد ایران

طلیعه

میراثی نو

صفحه ۳

پنجشنبه | اول خرداد ۱۴۰۴ | ۲۴ دی‌القمده ۱۴۴۶ | ۲۲ مه ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۸۱۴۲۳۳ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰۰ تومان



VATANEMROOZ.IR

روزنامه صبح ایران



به بهانه صعود فجر و پیکان  
نگاهی به اهمیت عملگرایی در مریگری

قربانی دیروز

پیروز امروز

صفحه ۴

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4323 | THU.MAY.22, 2025 | ISSN:2008-2886

۱۱۰۰ سال و ۲۶۲ روز گذشت



# در بند توهم

عملیات روانی سخیف سی‌ان‌ان دست خالی ترامپ را رو کرد  
دولت آمریکا نسبت به ایران و واقعیت‌های برنامه هسته‌ای  
دچار محاسبات غلط شده است

کوتاه نیامد. بنابراین اکنون در مذاکرات با ترامپ نیز این خطوط قرمز پابرجاست. اینکه رئیس‌جمهور آمریکا به واسطه ندانم‌کاری‌اش در ماجرای خروج کشورش از برجام، اکنون نیازمند انجام توافقی متفاوت از برجام است تا در افکار عمومی کشورش بتواند این توافق را توجیه کند، مشکل شخص ترامپ است و ربطی به ایران ندارد. اکنون ترامپ است که باید انتخاب کند. مواضع اخیر ترامپ و رئیس تیم مذاکره‌کننده آمریکا استیو ویتکاف درباره برنامه غنی‌سازی ایران، باعث ایجاد این ذهنیت شد که آمریکایی‌ها اراده واقعی برای انجام توافق ندارند و به همین دلیل به دنبال بهانه‌جویی هستند. ترامپ اگر واقعا دنبال توافق است، باید در رفتار خود در مذاکرات و همین‌طور مواضع خود نسبت به حق غنی‌سازی ایران تجدید نظر کند. نخستین واکنش آنها به فرمایشات رهبر انقلاب، ضعیف و سطح پایین بود. به عبارتی همان بازی همیشگی را انجام دادند. آنها تصور کرده‌اند ایران از ترس حمله نظامی رژیم صهیونیستی، در نهایت حاضر به دادن امتیاز درباره حق غنی‌سازی خود خواهد شد.

در واقع ظاهرا در بر همان پاشنه سابق می‌چرخد، مگر اینکه ترامپ نسبت به مواضع خود در قبال مذاکرات، رو به واقعیت آورد. اگر آنها دنبال توافق هستند، باید واقعیات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران، بویژه حق غنی‌سازی را که معاهده «ن‌بی‌تی» برای ایران به رسمیت شناخته، بپذیرند. ترامپ باید نهایتا بپذیرد اهرم تعیین‌کننده‌ای برای گرفتن حقوق هسته‌ای ایران در اختیار ندارد. نه تهدید نظامی و نه تهدید به شکست مذاکرات، هیچ‌کدام برای ایران یک تهدید معتبر به حساب نمی‌آید.

تلقی می‌کند. این محاسبات ناشی از همان تخیل و توهم ضعیف بودن ایران است. توهم و آشفتگی دولت آمریکا، اصلی‌ترین عامل اخلال در مذاکرات و مهم‌ترین دلیل خودداری از توافق است. آنچه رهبر انقلاب روز سه‌شنبه در مراسم بزرگداشت شهدای خدمت بیان فرمودند، ناظر به همین توهم و آشفتگی در بین مقامات دولت آمریکا بود. مواضع رهبر انقلاب می‌تواند ترامپ و سایر مقامات تصمیم‌گیر دولت او را از توهم درباره ایران در یک توهم خودساخته گرفتار شده‌اند. ریشه این توهم این است که آنان تصور می‌کنند ایران در یک موقعیت ضعیف قرار دارد، لذا می‌توانند با تمرکز روی تهدید نظامی، امتیازات بیشتری نسبت به سال ۲۰۱۵ از ایران بگیرند. این توهم، یعنی تصور ضعیف بودن ایران را نخستین‌بار نتانیاهاو مطرح کرد. با اینکه رسانه‌های آمریکایی این روزها اخباری از تیره و تار شدن مناسبات ترامپ و نتانیاهاو منتشر می‌کنند اما باید گفت نتانیاهاو نقش کلیدی در تصورات و پرواورد مقامات دولت ترامپ نسبت به ایران دارد. آشفتگی و سردرگمی مقامات کاخ سفید در رسوب ادعاهای نتانیاهاو در ذهن و باور مقامات دولت آمریکا بسیار مؤثر بوده است. اکنون ترامپ، ویتکاف و روبیو تصور می‌کنند می‌توانند با تشدید فشار بر ایران، امتیازات بیشتری از تهران بگیرند. بر همین اساس آنان تصور می‌کنند طرح گزینه نظامی می‌تواند تاثیر زیادی بر غلبه‌نشینی ایران از مواضع خود داشته باشد. از سوی دیگر ترامپ تصور می‌کند ایران حاضر است به هر قیمتی با آمریکا به توافق برسد. از همین رو در این توهم گیر افتاده است که صحبت کردن از شکست مذاکرات، به مثابه یک تهدید برای تهران عمل می‌کند را تعیین کرده بود و در ادامه هم هرگز از آن خطوط

را مطرح کرد که البته با پاسخ طرف ایرانی مواجه شد. با این حال اما در روزهای اخیر مقامات آمریکایی با ادبیاتی دود ششان و سخیف درباره حق غنی‌سازی ایران صحبت کردند تا جایی که گفته شد آمریکا به ایران اجازه(!) غنی‌سازی نمی‌دهد. همان‌گونه که گفته شد، این مواضع مقامات دولت ترامپ نشان می‌دهد آنها درباره قدرت ایران و واقعیات برنامه هسته‌ای ایران در یک توهم خودساخته گرفتار شده‌اند. ریشه این توهم این است که آنان تصور می‌کنند ایران در یک موقعیت ضعیف قرار دارد، لذا می‌توانند با تمرکز روی تهدید نظامی، امتیازات بیشتری نسبت به سال ۲۰۱۵ از ایران بگیرند. این توهم، یعنی تصور ضعیف بودن ایران را نخستین‌بار نتانیاهاو مطرح کرد. با اینکه رسانه‌های آمریکایی این روزها اخباری از تیره و تار شدن مناسبات ترامپ و نتانیاهاو منتشر می‌کنند اما باید گفت نتانیاهاو نقش کلیدی در تصورات و پرواورد مقامات دولت ترامپ نسبت به ایران دارد. آشفتگی و سردرگمی مقامات کاخ سفید در رسوب ادعاهای نتانیاهاو در ذهن و باور مقامات دولت آمریکا بسیار مؤثر بوده است. اکنون ترامپ، ویتکاف و روبیو تصور می‌کنند می‌توانند با تشدید فشار بر ایران، امتیازات بیشتری از تهران بگیرند. بر همین اساس آنان تصور می‌کنند طرح گزینه نظامی می‌تواند تاثیر زیادی بر غلبه‌نشینی ایران از مواضع خود داشته باشد. از سوی دیگر ترامپ تصور می‌کند ایران حاضر است به هر قیمتی با آمریکا به توافق برسد. از همین رو در این توهم گیر افتاده است که صحبت کردن از شکست مذاکرات، به مثابه یک تهدید برای تهران عمل می‌کند را تعیین کرده بود و در ادامه هم هرگز از آن خطوط

از سخنان مهم رهبر انقلاب و تذکر ایشان به مقامات دولت ترامپ و تأکیدشان درباره پرهیز آمریکایی‌ها از پناه‌جویی درباره برنامه هسته‌ای ایران، نشان می‌دهد آمریکایی‌ها باز هم همان بازی همیشگی را علیه ایران به راه انداخته‌اند. آنها با انتشار این خبر توسط سی‌ان‌ان، به دنبال انتقال این پیام به ایران هستند که در صورت عدم پذیرش شروط آمریکا، بویژه توقف غنی‌سازی، احتمال حمله نظامی رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران افزایش می‌یابد. این تهدید تکراری با واقعیت‌های میدانی مربوط به ایران و رژیم صهیونیستی همخوانی ندارد. رژیم صهیونیستی اکنون نسبت به قبل از عملیات توفان‌القصی بسیار آسیب‌پذیر تر است. در ۲ عملیات «وعده صادق ۱ و ۲» نیز برای همه در غرب آسیا و کل دنیا ثابت شد این رژیم در مقابل ایران کاملا بی‌دفاع است اما چرا آمریکایی‌ها هنوز تصور می‌کنند می‌توانند با ادعای حمله نظامی رژیم صهیونیستی، به زعم خودشان ایران را بترسانند؟

جواب این سوال، در واقع جواب سوال‌های مشابه درباره عدم ثبات و تغییر مکرر مواضع آمریکایی‌ها درباره مذاکرات و مسائل هسته‌ای ایران بویژه موضوع غنی‌سازی است. ترامپ درباره قدرت ایران و همین‌طور واقعیت‌های مربوط به برنامه هسته‌ای ایران دچار یک توهم و تخیل است. اگرچه در ابتدای مذاکرات با ایران، آنها رفتار نسبتاً معقولی از خود نشان دادند اما پس از آن، مشخص شد دولت ترامپ هیچ برنامه جامع و مدونی درباره برنامه هسته‌ای ایران ندارد. به صورت مشخص در ۳ هفته اخیر مقامات آمریکایی بر توقف همه فعالیت‌های غنی‌سازی ایران تأکید کردند. در دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکانیز ویتکاف این موضوع

محمدصدر! مراد: تنها چند ساعت پس از سخنرانی مهم رهبر انقلاب در مراسم بزرگداشت شهدای خدمت، برخی رسانه‌های جریان اصلی آمریکا یک عملیات رسانه‌ای علیه ایران به راه انداختند. سی‌ان‌ان این بازی رسانه‌ای را شروع کرد و به نقل از برخی مقامات کاخ سفید مدعی شد دولت ترامپ به اسنادی دست یافته که نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی به دنبال بمباران مراکز هسته‌ای ایران است. سی‌ان‌ان در این باره به نقل از منابع آگاه آمریکایی ادعا کرد اطلاعات جدید به دست آمده توسط ایالات متحده نشان می‌دهد اسرائیل در حال آماده شدن برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران است. این شبکه به نقل از منابع مذکور اعلام کرد هنوز مشخص نیست آیا سران اسرائیل تصمیم نهایی را در این باره اتخاذ کرده‌اند یا خیر. سی‌ان‌ان همچنین به نقل از یک منبع آگاه از اطلاعات امنیتی ادعا کرد احتمال حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در ماه‌های اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است. در این گزارش به نقل از این منبع همچنین ادعا شده است اگر ایالات متحده با ایران به توافقی برسد که تهران را ملزم به از بین بردن کل اورانیوم خود کند، احتمال حمله بیشتر خواهد بود. سی‌ان‌ان در ادامه مدعی شد اطلاعات جدید با استناد به تماس‌های عمومی و خصوصی سسران ارشد اسرائیل، همچنین شنود تماس‌ها و پیگیری تحرکات نظامی اسرائیل می‌تواند نشان‌دهنده یک حمله قریب‌الوقوع باشد. سی‌ان‌ان در این ادعا به نقل از ۲ منبع گزارش داد از جمله تدارکات نظامی مشاهده‌شده توسط ایالات متحده، جابه‌جایی مهمات هوایی و تکمیل یک آزمایش هوایی است. انتشار این خبر آن هم چند ساعت پس

جمله: کلاما روشن است! ترامپ در ابتدای ریاست‌جمهوری خود گفته بود نخستین سفر خارجی‌اش به منطقه خلیج‌فارس خواهد بود؛ «گر پول خوبی بدهند!» این یک نگاه کاملاً تجاری به سیاست خارجی است. عربستان در همان سفر نخست ۴۰۰ میلیارد دلار قرارداد بست، اما اگر وعده سرمایه‌گذاری یک تریلیون دلاری در ۱۰ سال را داد و قطر هم این هواپیمای لوکس را هدیه داده است. ترامپ حتی گفته قصد دارد از این هواپیمادر دوران ریاست جمهوری بعدی استفاده و بعد آن را به «کتابخانه ریاست‌جمهوری‌اش» اهدا کند.

تیتیر های امر وز



پس از گولان و بعلون، حالا اولمرت نیز به جنایات  
ار تش اشغالگر در کشتار عمدی کودکان غزه  
ادعان کرد

## اعتراف جمعی علیه نتانیاهاو

صفحه ۷

بررسی دلایل افول جشنواره فیلم کن  
به بهانه برگزاری هفتادوهشتمین دوره آن

## از جشن روشنفکران تا پاتوق بلاگرها

صفحه ۸

دولت و نمایندگان مجلس بر حفظ دستاوردها  
و حراست از حقوق هسته‌ای ایران تأکید کردند

## اتفاق بر غنی‌سازی

صفحه ۲

۳۱۷  
ضمیمه طنز  
راه‌راه

برق نیست، نترسید!  
با دود پیام بدین!

جرمی یکسمن، خبرنگار سرشناس انگلیسی در  
گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره سفر ترامپ به منطقه

### فساد علنی‌تر شده است

گفت‌وگو

سمیه خلیلی

سفر اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده به منطقه خلیج‌فارس بار دیگر نگاه‌ها را به سیاست خارجی جنجالی او در قبال غرب آسیا معطوف کرد. از هدایای پرسروصدا گرفته تا موضع‌گیری‌های غیرمنتظره ترامپ درباره ایران، فلسطین، سوریه و اسرائیل، این سفر نه تنها واکنش‌های گسترده‌ای به همراه داشت، بلکه نگرانی‌های تازه‌ای را درباره آینده منطقه برانگیخت. در گفت‌وگویی پیش رو، جرمی یکسمن، خبرنگار کهنه کار انگلیسی در تحلیلی صریح به پشت پرده این تحرکات پرداخته است.

\*\*\*

■ آقای یکسمن! به نظر می‌رسد سفر اخیر ترامپ به خلیج‌فارس با حواشی پررنگی همراه بود. ماجرای هواپیمای اهدایی قطر به ترامپ واقعا چیست و چرا چنین واکنش‌هایی را برانگیخت؟ این ماجرا به واقع نماد تلاقی منافع شخصی و سیاسی ترامپ است. قطری‌ها یک هواپیمای فوق‌مدرن و گرانقیمت به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار به ترامپ هدیه داده‌اند. آنچه ماجرا را پیچیده می‌کند، این است که این هواپیمای چیزی فراتر از یک وسیله حمل‌ونقل است. این «کاخ پرند» به تجهیزات پیشرفته الکترونیکی مجهز است که برخی نگرانند بتواند برای جاسوسی از رئیس‌جمهور آمریکا به کار رود. جالب آنکه ترامپ در پاسخ به سوالاتی درباره این هدیه، تنها آن را «خبر جعلی» خوانده و توضیح بیشتری نداده است. برخی کارشناسان می‌گویند پاکستانی این هواپیمای تجهیزات مشکوک ممکن است ۳ سال زمان ببرد و میلیاردها دلار هزینه طلبد. این موضوع پرسش‌های جدی‌ای درباره منافع پشت پرده این سفر و هدایای ایجاد کرده است.

■ به نظر شما میان این هدایا و مواضع ترامپ در منطقه رابطه‌ای وجود دارد؟

بله؛ کلاما روشن است! ترامپ در ابتدای ریاست‌جمهوری خود گفته بود نخستین سفر خارجی‌اش به منطقه خلیج‌فارس خواهد بود؛ «گر پول خوبی بدهند!» این یک نگاه کاملاً تجاری به سیاست خارجی است. عربستان در همان سفر نخست ۴۰۰ میلیارد دلار قرارداد بست، اما اگر وعده سرمایه‌گذاری یک تریلیون دلاری در ۱۰ سال را داد و قطر هم این هواپیمای لوکس را هدیه داده است. ترامپ حتی گفته قصد دارد از این هواپیمادر دوران ریاست جمهوری بعدی استفاده و بعد آن را به «کتابخانه ریاست‌جمهوری‌اش» اهدا کند.

ادامه در صفحه ۸

ما نه در فرهنگ و نه در دین خود آن را قبول نداریم. عقل ابزاری یا کنش منطقی یک عقل اثبات‌گرای دنیایی و حسابگر است که غرب مدت‌هاست مبنای خود را بر آن قرار داده است. به همین دلیل اگر یک جامعه‌شناس غربی بخواهد این تشبیح باشکوه را تحلیل کند، هیچ امکانی برای تحلیل ندارد، لذا در همه اوقات این عبارت آشنا را می‌بینیم که غربی‌ها درباره اتفاقات درون ایران می‌گویند ما شگفت‌زده شدیم. این شگفت‌زدگی به دلیل آن است که غربی‌ها می‌خواهند با عقل ابزاری خود جامعه ایران را تحلیل کنند، در حالی که مبنای تحلیل جامعه ایران عقل ابزاری نیست. همان‌گونه که در فقه ما نیز وجود دارد، عقل ابزاری تنها یک مورد از منابع عقلانیت دینی و منابع شناخت ما است.

ادامه در صفحه ۶

کار نمی‌کند. در روز تشییع شهید رئیسی در تهران، از خیابان جمال‌زاده که وارد خیابان انقلاب شدم، تعداد زیادی از کارگران هیکو شعارهای احساسی در قفدان رئیس‌جمهور سر می‌دادند. رئیس‌جمهوری که بتواند دل کارگر و قشر محروم جامعه را به دست آورد، کار بزرگی انجام داده است؛ موضوعی که مدت‌ها بود در کشور، شاهدش نبودیم. به تعبیر رهبر انقلاب بود، فرمودند دولت شهید رئیسی یک دولت انقلابی بود، انقلابی یعنی همین که توده‌های ضعیف جامعه را در اولویت قرار داد. وقتی این صحنه کارگران هیکو را دیدم، متوجه شدم قشر ضعیف و حتی طبقه متوسط جامعه درک می‌کنند نگاه دولت سیزدهم به قشر ضعیف چقدر درست و منطقی بود.

### ■ عقل ابزاری و تحلیل محاسبه‌ای

این عقل ابزاری که می‌گویم دقیقاً چیزی است که

جامعه ایرانی و تشییع چند میلیونی رئیس‌جمهور شهید مردم در پی مرگ یک سیاستمدار اینگونه به صحنه نمی‌آیند. یعنی سیاستمدارها به صورت بسیار محدود با تشریفات خاص دفن می‌شوند اما در کشور ما این رخداد با رویکرد پارتو قابل تبیین است. ما مردمی داریم که همه چیز را با «عقل ابزاری» اندازه‌گیری نمی‌کنند، بنابراین این مردم را نمی‌شود با عقل ابزاری یا با عددها به نحو عمیق شناخت. به نظر من، مردم ما بعد حسی قوی‌ای دارند، از این جهت که متوجه هستند کسانی که برای آنها کار می‌کنند، بسیاری مجاهدانه فعالیت می‌کنند. ۳ سال عمر دولت سیزدهم گذشت اما شما داده‌ای به دست نیآورید مبنی بر آنکه آن دولت دنبال قدرت‌گرایی، حزب‌گرایی و مغفقت‌طلبی بود. این به نحو واضح در برخی دولت‌ها وجود داشت. دولت شهید رئیسی به نوعی فراجنبی بود، لذا در موارد مختلف اعم از سیاست داخلی و خارجی صادقانه مسائل را تبلیغ و تبیین می‌کرد. اگر ایشان در قید حیات بود، به نظر من سال آخر دولت ثمرات خیلی از کارهای ایشان برای همه عیان می‌شد. به نظر من نگاه غیرتبلیغاتی و غیرنمایشی منجر به محبوبیت بیشتر ایشان در میان مردم شد. دولت تمرکز خود را بر تبلیغات نمایشی نگذاشت و امیدوار بود اهدافی که پیش می‌برد، خود به خود در زندگی مردم اثراتش را عیان کند، لذا همین تبلیغات اندک نیز کافی بود تا مردم بفهمند چه کسی برای آنها کار کرده و چه کسی برای آنها

که سخن از کنش منطقی می‌شود، عقل ابزاری مدنظر قرار دارد؛ چیزی که بیشتر در مکتب پوزیتیویسم طوطی قرون ۱۹ و ۲۰ در اروپا می‌بینیم. به همین دلیل پارتو علم جامعه‌شناسی را علم مطالعه کنش‌های منطقی و بویژه غیرمنطقی انسان می‌داند. در این چارچوب، یعنی عقل ابزاری غربی، تمام کنش‌هایی که به مذهب و معنویت مرتبط می‌شود، خود به خود در حوزه کنش‌های غیرمنطقی می‌گنجد، یعنی همان کنش‌هایی که با عقل «این‌جهانی» قابل تشخیص نیست. درباره این تشییع باشکوه آیت‌الله شهید رئیسی در تبریز، تهران، بیرجند و مشهد عقل ابزاری پاسخگوی تحلیل آن نیست. در شرایطی که طوطی ۳ سال دولت ایشان، مدام شبکه‌های معاند خارجی با بمباران تبلیغاتی خود، وضعیت داخلی را نابسامان‌تر از آن چیزی که هست نشان و اعتماد اجتماعی به حکومت را در مرز بحران نمایش می‌دادند، ناگهان در مراسم تشییع رئیس‌جمهور شهید، جمعیتی چند میلیونی از قشرهای مختلف مردم حاضر می‌شوند! این رویداد را چگونه باید تبیین کنیم؟ آیا این یک رخداد معمولی است؟ به نظر می‌رسد می‌توان اینطور تبیین کرد که این حرکت مردمی نوعی مشروعیت‌بخشی به نظام حاکم است. چرا این سخن را طرح می‌کنم؟ به این دلیل که در هیچ جای دنیا یا حداقل در آن کشورهایی که از عقل ابزاری استفاده می‌کنند،

یادداشت  
حسین میرزایی \*

حوادثی نظیر آنچه در مراسم تشییع رئیس‌جمهور شهید، حضرت آیت‌الله رئیسی و هیات همراه ایشان رخ داد، از جمله امور مهمی است که هرچه از زمان آن دورتر می‌شویم، ابعاد بیشتری از زرفای خود را به ما می‌نمایاند. به باور برخی، چنین حوادثی این ظرفیت را برای مسا ایجاد می‌کند که مقصداری از روزمرگی‌ها دور شده و نگاهی جدید به جامعه ایرانی در پرتو این حوادث بیندازیم. در اندیشه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ویلفردو پارتو، جامعه‌شناس ایتالیایی نظریات مختلفی درباره اقتصاد و جامعه داشته و به باور من، اندیشه‌های وی حاوی نکات بسیار مهمی است که کمک می‌کند به واسطه آن، رخداد تشییع شهید، جمهوری را توضیح دهیم. پارتو نگاهی فردگرایانه به جامعه‌شناسی داشته و شاید بحث فردگرایی روش‌شناختی نیز از همان جا آغاز شده باشد. او خیلی از کنش‌هایی را که واقعیت جمعی به نظر می‌رسند، همچون بازار، نهادها، واقعیت‌های زندگی اجتماعی و... که دارای تأثیراتی بر جامعه هستند، به عنوان یک کنش فردی یا شناختی می‌بیند. نکته مهم در نظریه پارتو این است که تمام کنش‌های انسان، منطقی و ناشی از تناسب هدف و وسیله نیست. البته هنگامی

**فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای**  
**همزمان با ارزیابی کیفی**  
**کانون ارزیابی شایستگی‌های مربوط به مشاغل عمومی برای**  
**داوطلبین در آزمون استخدامی گمرک ج.ا.ی**

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور اقتصادی و دارایی  
گمرک ایران

ارجاع به صفحه ۴